



## تحلیل تطبیقی عنصر بکرزایی در دو رمان اتوپیایی زنستان و نفرین خاکستری

نادیا احمدی نیک<sup>۱</sup>، غلامرضا پیروز<sup>۲</sup>، سارا ساعی دیپاور<sup>۳</sup>

## چکیده

ادبیات تطبیقی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات علوم انسانی، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ اما اهمیت آن زمانی که در زمینه‌های ادبیات زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد، دوچندان می‌شود. رمان کلاسیک زنستان اثر شارلوت پرکینز گیلمن نخستین اثر پیشگام فمینیستی آمریکایی به شمار می‌رود. در مقابل رمان ایرانی نفرین خاکستری اثر محب‌علی نیز شباهتی مضمونی با رمان پرکینز گیلمن دارد. نویسندگان هر دو رمان، سرزمینی آرمانی را از جامعه زنان ترسیم کرده‌اند؛ در واقع آرمان‌شهری که ساکنان آن فقط زنان هستند و از طریق بکرزایی، مادر بودن برای آنان تحقق پیدا می‌کند. همین شباهت و تناظر محتوایی و مضمونی از علل انتخاب این دو رمان در حیطه آثار زنان توسط پژوهشگران این جستار بوده است. پژوهشگران با روش تحلیل محتوای کیفی و در چهارچوب مکتب فمینیسم به بررسی و تحلیل آثار انتخابی در حیطه بازنمایی مفهوم بکرزایی از طریق ترسیم آرمان‌شهر اتوپیایی می‌پردازند. خوانش تطبیقی دو روایت بر بنیاد مفهوم بکرزایی در دو رمان اتوپیایی زنستان و نفرین خاکستری با استفاده از سه مؤلفه «مردستیزی در ابتدای رمان در تفکر اتوپیایی»، «بکرزایی لازمه تفکر اتوپیایی» و «گذار از تفکر اتوپیایی و عدول از بکرزایی» به استخراج مشابهت‌ها و موتیف‌هایی که چگونگی کاربست بکرزایی در دو اثر آمریکایی و ایرانی را نشان می‌دهد، می‌پردازد. با وجود مؤلفه‌های مشترک محتوایی و مضمونی، شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... میان دو ملت باعث ایجاد تفاوت در نوع نگاه پرکینز گیلمن و محب‌علی به عنصر بکرزایی در قالب رمان اتوپیایی می‌شود؛ همان‌طور که در نگاه عمقی پرکینز گیلمن و نگاه گذرای محب‌علی در طول رمان قابل مشاهده است.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات تطبیقی، اتوپیا، بکرزایی، زنستان، نفرین خاکستری، مهسا محب‌علی، پرکینز گیلمن

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
ahmadiniknadiya@gmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)  
g.pirouz@umz.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
s.saei@umz.ac.ir



## مقدمه

در قرن نوزدهم احتمالاً برای اولین بار سنت بوو<sup>۱</sup> از اصطلاح «تاریخ ادبیات تطبیقی» استفاده کرد و در مقالات خود به ادبیات تطبیقی پرداخت؛ به همین سبب این عبارت بستر زایش رشته ادبیات تطبیقی در کنار سایر رشته‌های تطبیقی نوپا در فرانسه و سپس در اروپا در اوایل قرن نوزدهم شد. آن زمان واژه «تطبیقی» در فرانسه بیشترین رواج را در دنیای علم و ادبیات داشت. به همین سبب پژوهشگران و نویسندگان زیادی به مقایسه آثار ادبی با یکدیگر ترغیب شدند (یوست ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷). وظیفه پژوهشگر ادبیات تطبیقی، مقایسه آثار ادبی ملت‌ها و یافتن نقاط تشابه و تمایز میان آن‌هاست؛ به عبارت دیگر بررسی میزان انطباق بازتاب عناصر یک مکتب در شرایط محیطی و فرهنگی یک ملت، از وظایف و اهداف اصلی یک پژوهشگر ادبیات تطبیقی است؛ البته ذکر این مطلب لازم است که طبق نظر آون آلدريج<sup>۲</sup> (۱۹۱۹-۲۰۰۵)، سردبیر مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، امروزه تمام متقدان و پژوهشگران در حوزه ادبیات تطبیقی بر سر این موضوع توافق دارند که ادبیات تطبیقی صرفاً به معنای مقایسه ادبیات قومی و ملی و فرامرزی نیست؛ بلکه ادبیات تطبیقی در واقع به‌عنوان روشی برای دستیابی به رویکردهای جدید ادبی به شمار می‌رود؛ روشی که از افق‌های تنگ و محدود مرزهای ملی، جغرافیایی، سیاسی و زبانی فراتر می‌رود (انوشیروانی ۱۳۸۹: ۱۴). در بحث ادبیات تطبیقی به دلیل وجود تفاوت‌های فاحش میان دو ملت و تأثیر آن در مکاتب ادبی می‌توان به انواع مکاتب ادبی ورود پیدا کرد؛ اما قوت و شدت این تفاوت‌ها در برخی مکاتب ادبی از جمله فمینیسم که ریشه در فرهنگ و اجتماع یک ملت دارد، بیشتر است. از طرفی دیگر، یکی از جریان‌های تأثیرگذار تمدن غرب در حوزه‌های مختلف مشرق‌زمین، فمینیسم بود. فمینیسم با شتاب روزافزون به عرصه ادبیات، خصوصاً داستان‌نویسی با ایجاد جنبش ادبیات فمینیستی موجب خلق آثار زنانه‌محور شد. به دلیل گرایش‌های مختلف فمینیستی و اهداف گوناگون فعالان این حوزه، نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه داد؛ اما اعتراض به تبعیض‌های جنسیتی و تلاش در جهت بهبود شرایط نامطلوب زنان، نقطه مشترک همه گرایش‌های فمینیستی است (رودگر ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰). در هر صورت «هدف نقد ادبی فمینیستی، آن است که ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر یک اثر را از دیدگاه نقد زن‌محور بسنجد (هام و گمبل ۱۳۸۲: ۱۰۰).

در ادبیات ایران از دهه‌های گذشته، نسل جدیدی از زنان نویسنده، اندیشه‌های فمینیستی را به اشکال مختلف در آثار خود گنجانده‌اند و در تلاش بودند تا نابرابری‌های

1. Sainte-Beuve
2. A. Owen Aldridge

اجتماعی و تبعیض‌های جنسیتی بر ساخته از نظام مردسالار را در داستان‌های خود با ایماژهای گوناگونی از نقش زنان به تصویر بکشند و منعکس‌کننده اندیشه‌های متنوع فمینیستی باشند. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، واکاوی تطبیقی آرای دو نویسنده ایرانی و آمریکایی؛ شارلوت پرکینز گیلمن<sup>۱</sup> و مهسا محب‌علی، در باب ادبیات فمینیستی، در رمان *زنستان*<sup>۲</sup> و *نفرین خاکستری* با تکیه بر جامعه آرمانی زنان است. بدین منظور بررسی عنصر بکرزایی که یکی از عناصر مکتب فمینیسم رادیکال به حساب می‌آید، در دو اثر آمریکایی و ایرانی، موضوع پژوهش پیش‌رو است. از آنجاکه با نویسندگان زن روبه‌رو هستیم، پرداختی جزئی به نوشتار زنانه در بطن بحث، ضروری است. نوشتار زنانه<sup>۳</sup> از حوزه‌های بسیار بسط‌یافته در نظریات فرانسوی است که بازنگری‌های اتوپیایی را نیز در خود می‌گنجاند؛ به عبارتی دیگر «نوشتارهای زنان، گفتمانی خاص، نزدیک‌تر با تن، عواطف و ناشناخته‌ها؛ یعنی همه آن چیزهایی که قرارداد اجتماعی سرکوب می‌کند، دارد. نوشتن و ادبیات، قلمروهای مهم‌اند؛ زیرا نیروی تخیل می‌تواند ادبیات سرکوب‌شده، رازها و ناگفته‌ها را آشکار کند» (به نقل از Marks and Courtivron, 1981، هام و گمبل ۱۳۸۲: ۱۳۶). در واقع نوشتار زنانه تأثیر بسزایی در اوج‌گیری نهضت فمینیسم و تلاش زنان برای خلق جامعه‌ای آرمانی برای خود داشت؛ زیرا باور داشته‌اند جامعه واقعی موجود، مردسالار است و زیر سلطه مردمحوری، استعدادها و توانایی‌های زنان شکوفا نمی‌شود و زنان مانند مردان نمی‌توانند قابلیت‌های خود را به عرصه ظهور برسانند؛ بنابراین زنان نیز برای رسیدن به جایگاه و شرایط مدنظر خود، وجود جامعه آرمانی برای داشتن اختیار و حاکمیت را لازم می‌دانستند و برای اینکه چنین ایده‌ای از قوه به فعل برسد، آنان بکرزایی و بیرون‌آمدن از زیر سلطه مردان را اساس جامعه اتوپیایی فمینیستی قرار دادند. چنانگ لی<sup>۴</sup> در مورد هدف اتوپیایی هرلند می‌گوید که منظور از آرمان‌شهر یک جهان کاملاً منسجم و کاملاً تحقق‌یافته نیست؛ بلکه منظور اثری است که نتایج بالقوه خیال‌پردازی را به‌عنوان یک عمل خلاق نشان می‌دهد (۲۰۲۲: ۷۵)؛ بنابراین مسیر بکرزایی یکی از راه‌های اصلی رسیدن به آرمان‌شهری زنانه از طریق نقد واقعیت اجتماعی موجود است. به این منظور جستار پیش‌رو به بررسی ساختار و چگونگی جامعه آرمانی فمینیستی در آثار دو نویسنده زن ایرانی و آمریکایی (مهسا محب‌علی و شارلوت پرکینز گیلمن) و حرکت از مسیر بکرزایی و فرار از محدودیت‌های دانش پدرسالار می‌پردازد.

نکته قابل توجه این است که علی‌رغم وجود شباهت‌ها در نحوه کاربست

1. Charlotte Perkins Gilman(1860\_1935)
2. *Herland*
3. *Écriture féminine*
4. Chang Li

بکرزایی در این آثار، ممکن است این رویکرد در دو جامعه ادبی ایران و آمریکا بنا بر شرایط مختلف فرهنگی این دو کشور، بازتاب کاملاً مشابهی نداشته باشد؛ زیرا تأثیرات جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه ادبیات هر ملت، بسیار قابل توجه و دارای اهمیت است و همین مسئله علت اصلی تفاوت رویکرد مورد نظر میان دو اثر از دو ملت متفاوت است.

### محدوده پژوهش

پژوهش حاضر رمان‌های *زنستان* اثر شارلوت پرکینز گیلمن ترجمه نوشین احمدی خراسانی با نام (*زنستان*) و *نفرین خاکستری* اثر مهسا محب‌علی را دربرمی‌گیرد.

### پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد در حوزه آثار زنان نویسنده تاکنون پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما پرداختن به موضوع جزئی‌تری مانند بکرزایی هرچند در آثار ایرانی از کمیت بالایی برخوردار نیست، در میان پژوهشگران ایرانی چه در مورد آثار ایرانی و خارجی دیده نمی‌شود؛ اما تعداد پژوهش‌های خارجی در زمینه آثار شارلوت پرکینز گیلمن بسیار بیشتر و قابل توجه‌تر است. به همین سبب با توجه به میزان دسترسی پژوهشگران، برخی مقالات مربوط به این زمینه جمع‌آوری شد و مورد مطالعه قرار گرفت که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد. قابل ذکر است که تاکنون هیچ پژوهش ایرانی‌ای به بررسی تطبیقی اثر پرکینز گیلمن با آثار ایرانی پرداخته است.

براساس جستجوها و اطلاعات به‌دست‌آمده از پایگاه‌های اینترنتی و نشریات معتبر علمی خارج از ایران، پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه آثار نویسندگان مورد نظر به این شرح است:

نخستین مقاله یافت‌شده و درواقع قدیمی‌ترین پژوهش که به‌طور کلی به داستان *هرلند* پرکینز گیلمن پرداخته است، مقاله کوتاهی است با عنوان «هرلند؛ اثر شارلوت پرکینز گیلمن»<sup>۱</sup> که توسط مایکل آر هیل<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۶ در مجله جامعه‌شناسی دانشگاه لینکلن نبراسکا به چاپ رسیده است. از آنجاکه جز اولین مقالات پرداخته شده است، آن پختگی و جامعیت قابل انتظار را دارا نیست. مقاله «شکل دادن مجدد به تعادل، گیلمن گونه نقد می‌کند و یک آرمان شهر فمینیستی در

1. Herland, by Charlotte Perkins Gilman
2. Michael R. Hill

هرلند می‌سازد؟<sup>۱</sup> اثر چانگ لی<sup>۲</sup> که در سال ۲۰۲۲ در مجله «ادبیات، رسانه و فرهنگ کودک در مدرسه آموزش و پرورش»<sup>۳</sup> در دانشگاه گلاسکو به چاپ رسیده است، به اتوپیایی فمینیستی، اکوفمینیستی و همچنین بررسی تصویر «دیگری» در رمان هرلند پرکینز گیلمن می‌پردازد. مقاله دیگری با عنوان «هرلند یک آرمان شهر تماما زنانه»<sup>۴</sup> نوشته لیانگ یانگ<sup>۵</sup> از دانشگاه مطالعات خارجی پکن، در مجله مطالعات ادبیات و هنر در سال ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی رمان اتوپیایی هرلند و عملکرد تولید مثل پرکینز گیلمن از طریق پارتنورنژ، برتری جنس مؤنث و مقوله مادرشدن می‌پردازد و به‌طور کلی در پی اثبات فرضیه‌ای با مضمون دست‌یابی به کمال در یک اتوپیا با حذف یک جنس و شریک است. پژوهش دیگر نیز که رمان هرلند را به‌عنوان یک اثر اتوپیایی مورد تحلیل قرار داده است، نوشته پژوهشگری است به نام کیم جانسون بوگارت، مقاله وی با عنوان «تحلیل اتوپیایی شارلوت پرکینز گیلمن: بازسازی معنا در هرلند»<sup>۶</sup> در سال ۲۰۱۴ در انتشارات دانشگاه ایالت پن به چاپ رسیده است. این مقاله به تحلیل اتوپیایی چیدمان و سبک رمان شارلوت با رویکرد بازسازی معنا می‌پردازد.

با توجه به توضیحات مقالات استخراج‌شده، سیر تکوینی و صعودی در پژوهش‌های مذکور دیده می‌شود؛ زیرا به فاصله زمانی و تغییر در شرایط اجتماعی و فرهنگی، نوع دیدگاه پژوهشگران به‌مرور تغییر کرده و از طرفی دیگر با کاهش محدودیت‌ها، به پژوهشگران اختیارات بیشتری در پرداختن به رمان مورد نظر و نقد و تحلیل صریح و اصولی داده شده است. مطالعات فراوان دیگری نیز علاوه بر زنستان در حیطه دیگر آثار فمینیستی گیلمن در کشورهای مختلف به‌صورت گسترده صورت گرفته است که برای جلوگیری از تفصیل زیاد و به‌دلیل عدم دسترسی کامل، به آن‌ها اشاره نشده است.

در ایران نیز آنتیا لشکریان (۱۳۸۷) پژوهشی در مورد تمامی آثار فمینیستی پرکینز گیلمن انجام داده که به رمان هرلند نیز توجه ویژه‌ای نشان داده است. مقاله وی با عنوان «نقد آثار فمینیستی شارلوت پرکینز گیلمن»، با دقت به جزئیات و ارتباط

1. Reshaping the Balance :How Gilman Critiques and Constructs ,a «Feminiŝt Utopia in Herland
2. Chang Li
3. Children's Literature, Media and Culture (CLMC) at School of Education
4. Herland An All female Women's Utopia
5. LIANG Ying
6. Parthenogenesis
7. The Utopian Imagination of Charlotte Perkins Gilman: Reconstruction of Meaning in "Herland"

زندگی شخصی پرکینز گیلمن با رمان‌های آرمان‌شهری وی و تحلیل عناصر فمینیستی آن‌ها پرداخته است.

### پرسش‌های پژوهش

این جستار در پی پاسخگویی به دو پرسش اساسی است:

۱. مهم‌ترین وجوه مشترک دیدگاه‌های شارلوت پرکینز گیلمن و مهسا محب‌علی در بازنمایی زن آرمانی چیست؟

۲. همسانی و اشتراک حداکثری این دو نویسنده در پرداختن به عنصر بکرزایی در رمان اتوپیایی خود چگونه و تا چه میزان بوده است؟

۳. آیا نتایج حاصل از بررسی تندروی نویسندگان در عدول از جامعه رئال، بر فرضیه (بکرزایی عامل اصلی خلق رمان اتوپیایی فمینیستی) جستار پیش‌رو صحت می‌گذارد یا خیر؟

### روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به موضوع کیفی مورد نظر، توصیفی-تحلیلی از نوع مقایسه‌ای و با رویکرد تطبیقی است. اطلاعات و داده‌های پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و پایگاه‌های اینترنتی گردآوری شده است.

### چهارچوب مفهومی

در اکثر جوامع، مردسالاری از چنان قدرت و جایگاهی برخوردار است که نمودهای مختلف آن در اکثر بخش‌ها، به‌ویژه ادبیات دیده می‌شود. مردسالاری از جمله مفاهیم کلیدی در گرایش‌های فمینیستی به حساب می‌آید. فمینیست‌ها معتقدند در جامعه مردسالار، مردها قدرت و حاکمیتی برتر نسبت به زن‌ها دارند. آن‌ها علت فرودستی زنان را در جامعه مردسالار، دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت، تقسیم نابرابر امتیازات اجتماعی و روابط نادرست مرد و زن می‌دانند. مسئله مردسالاری، در متون ادبی بازتاب چشم‌گیری دارد. آثار زیادی به‌ویژه در حوزه داستان با این رویکرد خلق شده‌اند. نخستین اعتراض و نقدها به این نابرابری را زنان وارد حوزه ادبیات کرده‌اند (شایان‌مهر و دیگران ۱۳۹۸: ۴۸)، و تلاش‌های زیادی برای رفع این نابرابری در ابزارهای نهادینه‌شده ادبیات در ملل مختلف انجام داده‌اند. در واقع به اعتقاد اکثریت، تعریف جامع و واحدی از فمینیسم وجود ندارد؛ اما «زن» همواره موضوع هسته‌ای و بنیادی مباحث فمینیستی است. فمینیسم تمرینی است که

ساختارهای سلسله‌مراتبی و تقسیم کار، قدرت و گفتمان را زیر سؤال می‌برد.

## آرمان‌شهر<sup>۱</sup>

اتوپیا واژه‌ای است مرکب که از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» است و در واقع سستی است که به جمهوری افلاطون برمی‌گردد. اتوپیا برای اولین بار در سال ۱۵۱۶ در کتاب آرمان‌شهر توماس مور<sup>۲</sup> به کار رفت. در دو دههٔ آخر قرن نوزدهم، داستان آرمان‌شهری، ژانری بود که در اوج محبوبیت خود قرار داشت. در اصطلاح رایج، آرمان‌شهر به معنای جزیرهٔ خیالی‌ای توصیف شده که در آن سیاست و قانون و در کل، همه چیز در کمال خوبی اجرا می‌شود. معانی دیگر این واژه عبارت‌اند از: دولت یا کشور کامل و ایدئال، کشور خیالی و کتابی که دربارهٔ کشور مرفه‌الحال بحث می‌کند (آریانپور ۱۳۶۹). در داستان‌های مورد نظر مردسالاری معمولی به یک مادرسالاری اتوپیایی تبدیل می‌شود. در واقع نویسندگان فمینیستی از ژانر آرمان‌شهر به‌عنوان محملی برای انتقاد اجتماعی استفاده کرده بودند. فالزر<sup>۳</sup> می‌نویسد: «نویسندگان آرمان‌شهری، فضایی ایدئال را بنا می‌کنند تا در آن نابرابری و ناگزیری را براندازند (Pfaelzer 1988: 282)؛ برای مثال رمان‌هایی که با عنوان آرمان‌شهرهای مدرن فمینیستی و رؤیاهای پارتنوژنز خلق شده‌اند عبارت‌اند از: پیشگویی (۱۸۹۰) از مری ای. بردلی لین، با او در سرزمین ما (۱۹۱۶) از شارلوت پرکینز گیلمن، مرد زن (۱۹۷۵) از جوانا راس، زن در لبهٔ زمان (۱۹۷۶) از مارج پیرسی و ...»

اهمیت ماجرا در این است که پروژه‌های اتوپیایی، تضاد را از بین می‌برند و در اکثر مواقع خصوصاً در آثار اتوپیایی فمینیستی، خواستار جدایی دو جنس و حتی طرد توهم‌آمیز جنس مقابل که در جامعهٔ واقعی عامل تبعیض و ظلم است، هستند تا از طریق کشف تمایلات ذاتی زنان، به فرهنگ ایدئال آنان پردازند. در واقع، ارتباط میان یک رمان اتوپیایی و مکتب فمینیسم این‌گونه بیان می‌شود: از آنجاکه فمینیسم؛ نظریهٔ برابری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میان دو جنس (برابری که هرگز در واقعیت اجتماعی وجود ندارد و تنها می‌توان آرزو و تصور کرد) تعریف می‌شود، آرمان‌شهرها همه جایگزین‌های تخیلی و تصویری یا به عبارتی غیرواقعی برای نظم‌های اخلاقی و اجتماعی جامعهٔ مردسالار ما هستند که آن‌ها را به صورت جدی مورد نقد قرار می‌دهند؛ اما به دنبال برابری نیستند؛ زیرا زنان با تصور خود در دنیای بدون مردان می‌توانند توانمندی‌های خود را بروز و ارتقا دهند. به این ترتیب پرکینز گیلمن با بازتولید اتوپیایی فمینیستی با تخیلی رادیکالی حول محور مفهومی

1. Utopia
2. Thomas More
3. Emily Pfaelzer



و ایجاد تغییر در پایان داستان، به‌عنوان نویسنده‌ای سرآمد، ثابت می‌کند که دیدگاه رمان او با هدف فمینیسم تطابق دارد.

### بکرزایی / خودباروری<sup>۱</sup>

در مورد ریشه بکرزایی باید گفت که نخستین بار اون<sup>۲</sup> در سال ۱۸۴۹ از واژه بکرزایی برای اشاره به تناوب نسل‌ها استفاده کرد و در سال ۱۸۵۶ سیلد<sup>۳</sup> این واژه را به‌منظور توضیح تکامل تخم‌مرغ بدون بارورکردن آن، به کار برد (Everett, Phillips 1903: 276). به‌طور کلی بکرزایی ریشه علمی دارد و ابتدا در علم زیست‌شناسی مطرح شد و بعدها توسط زنان نویسنده برای کنترل تولد و اختیار در فرزندآوری، وارد ادبیات، آن هم در حوزه فمینیستی شد.

ریموند استفانسون<sup>۴</sup> بر این باور است که در نیمه قرن هجدهم، خلق مصنوعی مخلوق انسانی در ادبیات که سال‌ها قبل از رمان فرانکشتاین از شلی<sup>۵</sup> مطرح شده است حاصل پاسخ‌های پیچیده به آزمایش‌های جدید در حوزه علم بوده است. این آثار به‌رغم ماهیت هجو/طعنه/طنزآمیزشان، نشان‌دهنده شکل‌گیری‌های اولیه ژانر علمی-تخیلی بوده‌اند. روایات ادبی دهه ۱۷۴۰ و اوایل ۱۷۵۰ از این دست هستند. در این روایات فانتزی تولیدمثل مصنوعی تجلی می‌یابد؛ اما اکثر این آثار از چشم محققان دور مانده‌اند. پیشرفت در حوزه مطالعات علمی برای تولید مثل، تکنیک‌های گلخانه‌ای، تولید مثل انتخابی و هیبرید، تولید و رشد گیاهان و... باعث تفکر در این مورد شد که انسان شاید بتواند پروسه‌های طبیعی را تقلید، کنترل و یا حتی جایگزین کند. این نوع جدید از خلق به شیوه جدید محدود به حیوان و گیاه نبود؛ بلکه پژوهشگران بیشتر به مطالعات خلق انسان علاقه‌مند بودند. در ادبیات نیمه قرن هجدهم چنین احتمالاتی پایه‌ریزی شد؛ حتی قبل از این که دانشمندان دست به مطالعاتی از این قبیل بزنند (Estephanson 2019: 471).

در هرلند، پرکینز گیلمن با استفاده از هجو/طعنه/طنز<sup>۶</sup> منظور اصلی خود مبنی بر کنترل تولد و آموزش جنسی را پنهان می‌کند. همان‌طور که تاورا<sup>۷</sup> در مقاله خود با عنوان «بدن او، سرزمین زنان؛ سلامت باروری و طنز دیس/توپیان در شارلوت پرکینز

1. Parthenogenesis
2. Owen
3. Siebold
4. Raymond Stephenson
5. Mary Shelley
6. satire
7. Tavra



گیلمن<sup>۱</sup>) این‌گونه بحث می‌کند که رمان اتوپییایی پرکینز گیلمن به عنوان داستان پزشکی و تا حدی آموزش جنسی است و با گفتمان‌های مختلف مرتبط با تولید مثل، بالاخص تئوری آموزش جنسی علمی، جنبش کنترل تولد و جنبش مادرشدن داوطلبانه ارتباط برقرار می‌کند (Tavra 2018: 2).

از طرفی دیگر به عقیده کاپو<sup>۲</sup> داستان‌نویسی وظیفه فرهنگی مهم شکل‌دادن به گفتمان‌های اجتماعی معاصر را به عهده می‌گیرد؛ اما به عقیده تاورا، کاپو دو فاکتور مهم دیگر را هم باید مد نظر قرار می‌داد: هدف ژانر ادبی و خود متن و قرارداد متن در فضای سیاسی و اجتماعی زمان معاصر متن در پایان قرن. حامیان جنبش کنترل تولد، تنها صداها یا صداهاى حاکم در مورد تعریف بدن زنان یا حقوق تولید مثلی نبودند. در هرلند هم پرکینز گیلمن به چندصدایی موجود در این رابطه اشاره می‌کند. همه این صداها به دلیل سانسور معروف به کامستاک<sup>۳</sup> خفه می‌شدند (Tavra 2018: 3). به واسطه قانون کامستاک تجارت و توزیع و بهره‌گیری از ادبیات و مقالات با استفاده غیراخلاقی منع می‌شد. با این که کامستاک در ۱۹۱۵ مرده بود؛ اما قانونش حاکم بود. از آنجاکه هرلند از کنترل تولد دفاع می‌کند و آموزش جنسی می‌دهد، این ریسک وجود داشت که هدف اصلی پرکینز گیلمن از نوشتن این کتاب او را به مخاطره اندازد. مخاطبان پرکینز پرکینز گیلمن جامعه زنان بودند؛ پس او سعی کرد به آن‌ها در مورد سلامت جنسی‌شان آموزش دهد که برخلاف قانون کامستاک بود؛ اما این سانسورها و قوانین باعث نمی‌شد نویسندگان در این مورد نویسند؛ بلکه با ترفندهای مختلف قصدشان را پنهان می‌کردند. پرکینز گیلمن نیز طنز و طعنه را به کار می‌برد که باور او را در این مورد که زنان باید اختیار/ استقلال بدن خود را داشته باشند، مشخص می‌کند. داستان پر از طنز و طعنه وی شرایط پروسه‌های تولید مثلی طبیعی را مبالغه‌آمیز بیان می‌کند؛ به عبارت دیگر، مقایسه پروسه تولید مثل طبیعی مورچه و زنبور (بکرزایی) را با پروسه تولید مثل انسانی (لقاح) به عنوان متدی برای بحث در مورد استقلال بدن زن مورد استفاده قرار می‌دهد (Tavra 2018: 6). به عنوان طنزپرداز، مقصود پرکینز گیلمن از نشان‌دادن بدن زن با قابلیت تولید مثل بدون مرد این است که به خوانندگان زن که «رشد روانی قابل ملاحظه‌ای» داشته‌اند، نشان دهد که به اجازه مرد برای اینکه «آیا تولید مثل کنند یا نه» و «چه زمانی» نیاز ندارند. درواقع با مقایسه تولیدمثل ساکنان هرلند با تولید مثل شته، پرکینز گیلمن از ما دعوت می‌کند تا با رهاکردن واقعیت، با طریقه استفاده او از تولیدمثل انفرادی همراه شویم تا از طریق تصور خود به عنوان بکرزا،

1. Her Body, Herland: Reproductive Health and» «Dis/topian Satire in Charlotte Perkins Gilman

2. Capo

3. Comstockian

استقلال خود در توانایی تصمیم‌گیری برای تولید مثل یا جلوگیری از آن (کنترل تولد) را به دست بیاوریم (Tavra 2018: 9-11).

جنبش‌رهای زنان در عصر مدرن یک سخنگویی مهم در ژانر اتوبیوگرافی است. مکانیسم جهان معکوس برای کنایه‌زدن، از نگرش‌های رفتاری استفاده می‌کند که خطر برهم‌زدن سنت پذیرفته‌شده را داشت. در واقع بکرزایی یا همان خودباروری، رادیکالی‌ترین عنصری است که می‌تواند از ایده استقلال زنانه دفاع کند تا رهای اجتماعی، معنوی و اخلاقی زنان را به دنبال داشته باشد.

با مختصری که به ریشه و تاریخچه بکرزایی در خارج از ایران پرداخته شد، اکنون به پیشینه بکرزایی در ایران پرداخته می‌شود. بکرزایی<sup>۱</sup> در زبان فارسی در لغت به معنای به‌دنیا آوردن فرزند بدون رابطه جنسی است؛ به عبارتی دیگر به‌دنیا آوردن فرزند توسط مادر باکره. در واقع بکرزایی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اسطوره خلقت، اشاره به نوعی وحدت آغازین، بسندگی و خویشکاری خدایان آفرینشگر دارد که کیهان‌زایی را بدون نیاز به دیگری انجام می‌دهند. در باور مسیحیان ارتدوکس نیز از بکرزایی با عنوان زایش عذرائی یا لقاح بکر و مطهر در مورد مریم عذرا، یاد می‌شود.

به‌طور کلی بکرزایی در اساطیر ملل نیز یکی از موارد غیرطبیعی (غیرطبیعی از این جهت که در جوامع انسانی دیده نمی‌شود) و به‌عنوان مهم‌ترین عنصری که بتواند کثرت را به وحدت برگرداند، دیده می‌شود. با این که در آفرینش و خلقت همواره دو گونه مؤنث و مذکر نیاز است؛ اما بکرزایی به‌عنوان یکی از راه‌حل‌هایی است که می‌تواند بشر اسطوره‌پرداز را به سمت دیدگاهی وحدت‌گرایانه راهنمایی کند. در تئوگونی نیز در قالب چندین مورد به مبحث بکرزایی و تولد از طریق تنها جنس مؤنث اشاره شده است؛ اما نکته حائز اهمیت که مفهوم بکرزایی در اسطوره آشکار می‌کند، توجه به مادر به‌عنوان عنصر اصلی در به‌وجود آوردن فرزند است؛ به عبارتی بکرزایی به این مسئله اشاره دارد که باروری و ادامه نسل، پیش از آن که به مرد بستگی داشته باشد، با حضور زن امکان‌پذیر است و این مسئله، سبب پیوند بکرزایی با والد مؤنث می‌شود. در اسطوره‌ها می‌توان موارد زیادی از بکرزایی یافت؛ مانند بکرزایی هسیودوس، گایا، هرا، پتیس و... (مبینی و شاهوردی ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۶).

الیاده<sup>۲</sup> نیز به اجمال چنین می‌گوید که:

1. virgin birth
2. Mircea Eliade

زمین از طریق پیوند مقدس با آسمان می‌آفریند؛ اما این عمل را می‌تواند از طریق بکرزایی یا فداکردن خویش نیز انجام دهد. اثرات بکرزایی زمین-مادر حتی در اسطوره‌های بسیار تکامل‌یافته‌ای نظیر اسطوره‌های یونانی نیز یافت می‌شود؛ برای نمونه «هرا» که توسط خودش باردار می‌شود (الیاده ۱۳۷۵: ۱۹۰).

در مورد هویت زن در اسطوره نیز مظفریان به کهن‌الگوی بکرزایی اشاره کرده است: همان‌طور که بارداری باکره نمود ولادت انسان معنوی است، علاوه بر این، نماد قدرت و پایداری نیز هست؛ زیرا بدون اثرپذیری از جنس نر، باردار شده است؛ همان‌طور که در اساطیر یونان قدرتمندترین ایزدبانوان، باکره هستند و به این عمل باروری «لقاح مطهر» یا «نزدیکی پاک» می‌گویند. در اساطیر آفریقا نیز الهه «ماوا» نماد بکرزایی است و اما مهم‌ترین نمونه کهن الگوی بکرزایی در داستان مریم باکره و زایش عذرایبی دیده می‌شود (۱۳۸۹: ۲۷). بولن<sup>۲</sup> نیز در مورد اسطوره بکرزایی نقل‌هایی دارد. به گفته او (که تناسب بیشتری با موضوع دارد)، جنبه باکره‌بودن خدایانوان اشاره به بخشی از روان زن دارد که تحت تملک و سلطه مردان در نمی‌آید و با موجودیتی به کمال و جدا از مردان که در خود دارند، بی‌نیاز از مردان و تأییدشان هستند. او سپس اشاره می‌کند که در معنای وسیع‌تر، بکرزایی؛ یعنی بخش قابل ملاحظه‌ای از روان زن، باکره و دست‌نخورده باقی بماند (۱۳۸۶: ۵۱). از طرف دیگر نیز گروه هواداران مادرشدن طبیعی و نظریات آدرین ریچ<sup>۳</sup>، اعتقاد داشتند که «راه‌هایی از فشارهای بچه‌داری در جامعه مردسالار چشم‌پوشی از کودکان نیست؛ بلکه راه‌هایی از این فشارها آن است که هر زنی در بزرگ‌کردن کودکان خود، به ارزش‌های فمینیستی متوسل شود» (تانگ ۱۳۸۷: ۱۴۷).

بکرزایی اصطلاحی است برخلاف مادرشدن طبیعی که فمینیست‌های رادیکال به کار می‌بردند. فمینیست‌های رادیکال طبق نظر فایرستون<sup>۴</sup>، اعتقاد داشتند که زنان برای اینکه بتوانند نظام طبقات جنسی را از بین ببرند، باید ابزار تولید مثل را مهار و کنترل آن را برای محو تمایزهای جنسیتی در دست بگیرند تا بتوانند به خصومت و نبرد میان زن و مرد پایان دهند. آن‌ها طبق استدلال خودشان به‌طور کلی با تولید مثل مخالفت می‌کردند و روش‌های نوین آزمایشگاهی و پزشکی را ترجیح می‌دادند و به هیچ عنوان موافق بارداری زن نبودند؛ اما برخی دیگر اعتقاد داشتند که هیچ زنی نباید برای مخالفت با مردسالاری، خود را از لذت مادرشدن و رشد و تربیت فرزند محروم کند. بکرزایی اصطلاح نسبتاً جدیدی است؛ اما در کتاب فرهنگ نظریه‌های فمینیستی

1. Mawu
2. Jean Shinoda Bolen
3. Adrienne Rich
4. Harvey Samuel Firestone

## اصطلاح خودباروری یا بارداری بدون عمل لقاح چنین تعریف شده‌است:

نظریه‌ای مبنی بر اینکه زنان می‌توانند بدون عمل لقاح با مرد باردار شوند. این نظریه طرحی است مهم در اندیشه فمینیستی رادیکال درباره احساسات جنسی و تولید مثل و مضمونی همیشگی در ادبیات علمی-تخیلی زنان، از قبیل *زنستان* (۱۹۱۵) شارلوت پرکینز گیلمن (هام و گمبل ۱۳۸۲: ۳۲۲).

### خلاصه رمان *زنستان*

شارلوت پرکینز گیلمن نویسنده زن آمریکایی از فعالان جنبش زنان است که آثار درخشانی در زمینه زنان و فمینیسم نوشته است. وی در سال ۱۹۱۵ رمانی فانتزی و تخیلی با نام *زنستان* را ابتدا به صورت پانوشت در مجله خود با نام *پیشرو* و بعدها به صورت کتاب به چاپ رساند. این رمان در سال ۱۳۸۸ با ترجمه‌ی نوشین خراسانی احمدی با نام *زنستان* به فارسی منتشر شد. رمان *زنستان* داستانی است در مورد کشور زنان؛ در واقع روایتی است از آرمان‌شهری تنها متشکل از زنان با جمعیتی بالغ بر سه میلیون نفر که سه مرد جهانگرد به نام‌های جف، ون و تری در پی کشف این سرزمین، سفر پرماجرایی را شروع می‌کنند. داستان توسط یکی از همان سه مرد به نام «ون» روایت می‌شود. طبق تحقیقات این سه جهانگرد در هزاران سال پیش بر اثر جنگ و وقایع طبیعی، همه مردان این سرزمین کشته می‌شوند و تنها زنان باقی می‌مانند. زنان ساکن، این کشور را به شکل بی‌نظیری نظم و سازمان می‌دهند که متکی بر نوآوری اعجاب‌آوری است. در نقطه آغازین این تاریخ، زنان به شیوه بکرزایی دست یافته بودند با جزئیاتی گنگ و مبهم که به دلایلی فقط دختر می‌زایدند، بدون هیچ‌گونه دخالتی از جانب مردها؛ زیرا در *زنستان* از رابطه جنسی خبری نبود (بی‌یرد ۱۳۹۸: ۴۹). سه مرد جهانگرد بعد از یافتن *زنستان*، در این سرزمین عجیب ساکن می‌شوند و توسط سه معلم زن تحت آموزش قرار می‌گیرند و به مقایسه کشور خود با کشور زنان در مورد مسائلی همچون دین، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش، جایگاه زنان و... می‌پردازند. در طول داستان، زنان این سرزمین نیز با جزئیات سرزمین مردان طی بحث‌های طولانی و موقعیت‌های مختلف آشنا می‌شوند. در این میان سه مرد جهانگرد با سه زن از *زنستان* ارتباط برقرار می‌کنند و در انتها با توافق با یکدیگر ازدواج می‌کنند؛ اما هر سه، داستانی متفاوت و با شرایط متفاوت داشته‌اند که در پایان منجر به اخراج یکی از سه مرد جهانگرد می‌شود و دو مرد دیگر با همسرانشان از *زنستان* به سوی کشور مردان سفر می‌کنند.

محقق‌ی آمریکایی به نام مایکل هیل<sup>۱</sup> در مورد رمان شارلوت این گونه می‌گوید:

درواقع رمان گیلمن یک آموزش و دستاورد جامعه‌شناختی از طریق رمان است. نقش و ارزش‌های زنان به‌عنوان مادر، پرداختن به مسئله مادری، آن هم از طریق عنصر بکرزایی به‌عنوان مفهوم روان‌شناختی در حوزه زنان از اصلی‌ترین مضامین رمان گیلمن است که نویسنده از آن برای مقایسهٔ دنیای زنان و مردان با تصویرسازی یک جامعه فرضی زن‌محور، بهره می‌برد (1996: 253).

### خلاصهٔ رمان نفرین خاکستری

نفرین خاکستری رمانی کم‌حجم دارای ۴ فصل در ۱۰۲ صفحه است. ابتدای رمان با نامهٔ ایشا شروع می‌شود و سپس در قالب ۴ فصل با داستان‌هایی به‌هم‌پیوسته ادامه می‌یابد. در این رمان، دختری به نام «ایشا» به تشویق روان‌پزشکش دکتر یاسمی که عقیده دارد او، مادر و مادر بزرگش به بیماری خوددیوینداری (دئوسایماتیک<sup>۲</sup>) مبتلا هستند، رمانی در قالب «سایکو<sup>۳</sup>» می‌نویسد و به همراه نامه‌ای برای همسرش امیر می‌فرستد. داستان با روایتگری شخصیت‌محوری «ایشا» شروع می‌شود و از خوابی که همیشه از ماده‌گرگ می‌بیند، می‌گوید. او در این رمان از رازی اجدادی پرده برمی‌دارد و خود را از جنس عفریته معرفی می‌کند؛ آن هم برخلاف عقیدهٔ پزشک خود. نامهٔ دوم را مادر ایشا به امیر می‌نویسد و پرده‌های دیگری را از راز نهان او کنار می‌زند. راوی داستان، اول‌شخص مفرد، ایشا، شخصیت اصلی داستان است که رمان سایکو را می‌نویسد. «آفریدت و یشنا»، «گیسار و ادهم»، «دهنش و لودمیلا»، «کبوده و احمد»، هم نام فصول داستان و هم شخصیت‌های زوج داستان هستند که هر کدام به‌صورت پیوسته یک فصل را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از فصل چهارم و داستان «کبوده و احمد»، نامهٔ کبوده و ایشا آمده است که بعد از نامه‌ها، پایان داستان با گزارش یک پلیس از یک پروندهٔ پنج‌سالهٔ ۲۳ فقره قتل مشابه تمام می‌شود. در این پرونده، مقتولان همه مردان میان‌سالی هستند که طی پنج سال و یازده ماه و چهل روز به قتل رسیده‌اند. ارتباط و اشتراک این قتل‌ها با هم این است که قتل بر اثر پارگی گلو و گردن رخ داده است. این سایکو رمان، قصهٔ سرگذشت اجداد ایشا و خود او که آخرین حلقهٔ زنجیر شمیلا (جدهٔ ایشا) را تشکیل می‌دهد، است. این خانوادهٔ پررمز و راز، حدود هفتصد الهه بوده‌اند که در سواحل جنوب رود ارس زندگی می‌کردند و عمر جاودانه داشتند. اجداد او به‌ترتیب براساس زنجیرهٔ تقلیل، الهه، افریت، جن و آدمیزاد بودند که اولین تقلیل از فرار آفریدت شروع می‌شود و به ترتیب ارتباط او با یک مرد از جنس

1. Hill, Michael R
2. Duocymatic
3. Psycho

افریت و بعد ارتباط فرزندانش با جن‌ها و بعد هم ارتباط نوادگانشان با آدمیزاد، ادامه دارد که آخرین زنجیره به ایشای آدمیزاد و همسرش امیر و ماجرای پرونده قتل‌های ایشا می‌رسد.

### بحث و بررسی

بنابر نظر دوبووار<sup>۱</sup> که هیچ زنی به شکل زن به دنیا نمی‌آید؛ بلکه در ساختار اجتماعی و فرهنگی زن می‌شود (۱۳۸۰: ۹۹)، نکته اولیه و اصلی در این رمان هم پرداختن به مسئله نوع ماهیت زنان است تا به اثبات برسانند ویژگی‌هایی که به زنان نسبت می‌دهند، حاصل شرایط اجتماعی است و اگر چنین شرایطی نباشد، زنان در دنیای بدون پیش‌فرض و بدون سلطه مردان، به شکل دیگری نمود پیدا می‌کنند. در این دو رمان در دست بررسی همان‌طور که در خلاصه اشاره شد، هر دو نویسنده دنیایی وارونه دنیای واقعی ترسیم کرده‌اند که زنان با هویت جدید و بدون قوانین مردانه در آن جلوه‌گر هستند که میزان تأثیر آن در رمان شارلوت بسیار بیشتر و عمیق‌تر است. با توجه به مطالعه دقیق دو رمان انتخابی، نویسندگان با استخراج سه مؤلفه، به‌طور کلی به بررسی مراحل شروع، اوج و پایان شکل‌گیری یک کشور تماماً زنانه می‌پردازند تا نحوه نگارش و دیدگاه حاکم بر رمان در دو نویسنده ایرانی و غربی به‌طور علمی بررسی شود تا چگونگی و میزان تأثیر مقوله بکرزایی بر آثار حاضر مشخص شود.

### مردستیزی در ابتدای رمان در تفکر اتوپیاپی

مردسالاری از جمله مفاهیم کلیدی در گرایش‌های فمینیستی به حساب می‌آید. فمینیست‌ها معتقدند که در جامعه مردسالار، مردها قدرت و حاکمیتی برتر نسبت به زن‌ها دارند. آن‌ها علت فرودستی زنان در جامعه مردسالار را دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت، تقسیم نابرابر امتیازات اجتماعی و روابط نادرست مرد و زن می‌دانند. مسئله مردسالاری در متون ادبی بازتاب چشم‌گیری دارد. آثار زیادی به‌ویژه در حوزه داستان و رمان با این رویکرد خلق شده‌اند. نخستین اعتراض و نقدها را به این نابرابری، زنان وارد حوزه ادبیات کردند (شایان‌مهر و دیگران ۱۳۹۸: ۵۴).

پژوهشگران بسیاری بر این مسئله توافق دارند که در یک سرزمین اتوپیاپی و آرمانی، دستیابی به کمال و تحقق آرمان‌گرایی، صرفاً از طریق حذف یک شریک و یک جنس اتفاق می‌افتد. از آنجا که نویسندگان زن محتوای داستان را زنانه‌محور و در حیطه مطالعات فمینیستی پیش برده‌اند، حذف جنس مذکر و شریک مقابل زن، برای فرار از محدودیت‌های دانش و جامعه پدرسالار، جزء مراحل اولیه و اصلی یک رمان

اتوپییایی فمینیستی به شمار می‌رود؛ بنابراین نویسندگان مورد نظر در هر دو داستان از همان ابتدا جنس مذکر یا هر نوع اثری از جنس مرد را رد و آن را حذف کرده‌اند.

آرمان‌شهر جدایی طلب پرکینز گیلمن و محب‌علی در واقع عنصر اغراق را از جنبه مثبت آن در چهارچوبی خیالی و آرزوگونه نشان می‌دهد. در واقع می‌توان عنوان رمان اتوپییایی فمینیستی را بر روی این دو اثر گذاشت؛ زیرا هر دو نویسنده از طریق بازسازی معنا در آرمان‌شهر خود، موقعیت انسانی و اجتماعی‌ای را که برای خود و دیگر زنان آرزو می‌کرده‌اند، به شکلی تقریباً مشابه در رمان پدید آورده‌اند. اگر اساس را بر رمان کلاسیک پرکینز گیلمن به‌عنوان اولین اثر فمینیستی قرار دهیم، طبق تحلیل بوگارت<sup>۱</sup>، استراتژی دستیابی به کمال در هرلند، اساساً بر حذف شریک جنسی و جفت نر استوار است؛ شرایطی که در آن شریک طردشده به‌عنوان کانون بیماری‌های جامعه معرفی می‌شود. به همین منظور بسیاری از نویسندگان زن فمینیست از جمله محب‌علی در رمان آرمان‌شهر خود، از این استراتژی برای خلق و تصویر جهان کامل‌تر استفاده می‌کنند. همین طردکنندگی اساس کار پرکینز گیلمن و محب‌علی است؛ زیرا دنیایی از یک جنس (زنان) را به ما نشان می‌دهند که ساکنان آن هیچ‌گونه جنگ، شرارت، خونریزی، رقابت، درگیری، حسادت، بیماری یا هر نوع مفهوم منفی و بد را، خصوصاً در مورد هنجارهای جامعه مردسالار نمی‌شناسند (Bogart 2014: 85-86).

برای بررسی و اثبات مؤلفه‌ها در آثار، ابتدا از هر دو رمان نمونه‌ای کامل آورده شده و سپس از طریق جدول، دیگر نمونه‌ها طبقه‌بندی و به‌صورت اجمالی گردآوری شده است.

- آفریدت مادر مادر بزرگ من، یک الهه بود. نسل اندر نسل بدون یک قطره خون ناپاک در رگ‌ها و این یعنی خون افریت و جن و انس. در آن روزگار طلایی زمانی که هنوز خون ناپاک در رگ‌های خندان ما راه نیافته بود. الهه‌ها، بی‌نیاز به آمیزش جنسی، عشق هیچ مردی، بی‌نیاز به خون ناپاک بودند (محب‌علی ۱۳۹۵: ۱۵).

- هیچ یک از مردمان قبایل بومی که این افسانه دله‌ره‌آور را تعریف می‌کردند، آنجا را به چشم خود ندیده بودند. فقط با اطمینان می‌گفتند ورود به آن سرزمین برای هر مردی خطرناک و مرگبار است. یک مملکت، یک ملت؛ اما همه مؤنث (پرکینز گیلمن ۱۳۸۹: ۱).



مردستیزی در تفکر اتوپایی	
نفرین خاکستری	زنستان
دعا برای عدم ورود هیچ مردی به سرزمین (ص ۱۶)	سرزمینی پررمز و راز و خطرناک برای مردان (ص)
حساسیت و واکنش تند نسبت به رابطه با مردان (ص ۱۶)	هیچ‌گونه مردی، فقط زن، فقط دختر بچه (ص ۹)
طرد از سرزمین در صورت وجود خون ناپاک مردان (ص ۱۷)	زنستان، بدون مردان، فرزند دختر، خطرناک (ص)
نگ و ذلت نتیجه ارتباط با مردان (ص ۲۰)	فقط دخترها، سرزمین بناشده بر پایه اصل مادرتباری (ص ۱۸)
عدم تسلیم، سفرتهایی و عدم نیاز به مرد (ص ۲۰)	خدای من، همه انگار زن‌اند (ص ۲۷)
معاشرت الهه‌ها با مردها مساوی با بدبختی (ص ۲۸)	زنان مصمم و استوار با آرایش نظامی، همه زن بدون حتی یک مرد (ص ۴۳)
زنجیره تقلیل؛ نتیجه ارتباط با مردان (ص ۳۰)	هیچ مردی زنده برنگشته، همه مرده‌اند (ص ۴۹)
سرزنش بابت به دنیا آوردن یک افریت مذکر (ص ۳۱)	به سبکی کاملاً زنانه و محکم، غلبه بر نیروی مردانه (ص ۵۰)
تأیید اشتباه بودن ارتباط با مردان و ابراز پشیمانی (ص ۵۰)	بی‌توجهی به مردان، بی‌اهمیتی نسبت به جنس مرد (ص ۶۳)
بیدار شدن ماده‌گرم درون و ارتباط آن با مردان (ص ۷۰)	عدم وجود هیچ‌گونه بازی مردانه (ص ۶۹)
عدم وجود مردان مساوی با الهگی، بدون هیچ نیاز و ترس و درد (ص ۸۰)	از دو هزار سال پیش عدم وجود هیچ‌گونه مردی (ص ۹۵)
ماده‌گرم و ۲۳ فقره قتل مردان میان‌سال (ص ۱۰۰)	همه مادر هستند، بدون وجود پدری (ص ۹۵)
	کشتار همه مردان توسط دختران خشمگین ستم‌دیده (ص ۱۱۳)

همان‌طور که دیده شد، در ابتدای داستان و تقریباً در دیگر فصول داستان، نویسنده مستقیم یا غیرمستقیم به طرد مردان از جانب زنان اشاره و آن را تأیید می‌کند. میزان چنین مردستیزی‌ای در رمان پرکینز گیلمن از بسامد بیشتری برخوردار است و به‌گونه‌ای تا اواسط و حتی اواخر داستان ادامه پیدا می‌کند و تغییر کمتری در نوع دیدگاه زنان نسبت به شخصیت‌های زن نفرین خاکستری به وجود می‌آید.

## بکرزایی لازمه تفکر اتوپیایی

در قالب مؤلفه‌ای به‌عنوان لازمه کمال در اتوپیا، به بکرزایی که عنصر اصلی پژوهش پیش‌روست پرداخته می‌شود. از دیدگاه هام و گمبل تفکر آرمان‌شهری<sup>۱</sup>، همواره برای فمینیست‌ها منبع الهام سیاسی بود. داستان علمی-تخیلی فمینیستی، تصاویری اتوپیایی از زنان به‌عنوان الگویی برای بشریت خلق می‌کند که مولد فرهنگی زن‌محور است (۱۳۸۲: ۴۵۳-۴۵۲). علت چنین امری را انحصارطلبی مردانه در حفظ نسب خونی و سرمایه‌داری مردسالار و تفکر زن به‌مثابه دارایی قلمداد کرده‌اند.

فریدمن<sup>۲</sup> در کتاب فمینیسم به این عقیده اشاره کرده است که در نظر برخی، تولید مثل و مادری کردن بخشی از سرکوبی است که باید رفع شود؛ اما از طرفی دیگر مادری کردن برای دیگران یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن‌بودن است؛ فقط باید آن را از زیر کنترل جنس مذکر رها کرد تا تبدیل به یکی از مثبت‌ترین تجربه‌های زنان شود (۱۳۹۷: ۱۱۰). ایجاد ادبیات فمینیستی اتوپیایی زاده همین شرایط نابسامان اجتماعی میان دو جنس است. تولید مثل غیرجنسی از زمان نگارش داستان میزورا<sup>۳</sup> تا زمان نگارش داستان سرزمین شگفت<sup>۴</sup> رواج داشته که به‌عنوان مضمونی پرترفدار در میان آرمان‌شهر زنان بدون مردان به آن پرداخته می‌شده است. از آنجاکه چنین عملی؛ یعنی زایمان بدون دخالت جنس مخالف در دنیای واقعی امکان‌پذیر نبوده و نیست، زنان با توسل به این موضوع، نفرت، انتقاد و اعتراض خود از جامعه مردمدار را نشان می‌دهند.

بنابر عقیده بولن<sup>۵</sup>، خدابانوان باکره مظهر استقلال و خودبسندگی در زنان بودند و در مقابل عشق و عاشقی مصونیت داشتند و دل‌بستگی‌های عاطفی، آن‌ها را از پیگیری آنچه برایشان دارای اهمیت بود، باز نمی‌داشت. دوری از عشق و عاشقی در واقع بیانگر نیاز زنان به خودمختاری و مظهر توانمندی آنان بوده است (۱۳۸۶: ۲۷). در داستان پرکینز گیلمن نیز، اهالی زنستان نماد زنان باکره توانمند و دارای استقلال کامل هستند که با ورود مردان و کنجکاوی هرلندی‌ها به ایجاد ارتباط با آن‌ها، ضربه سنگینی به تفکرات فمینیستی و ماهیت زن‌محورانه وجود آنان وارد نمی‌شود و در کمال احترام و ارتباط با مردان، همچنان مایل به پذیرش اصول مردمحور و قبول تمایلات مردان نبوده‌اند.

یکی از ژرف‌ترین موضوعاتی که به‌صورت مشترک در این دو رمان به‌عنوان لازمه اصلی آرمان‌شهر نویسنده محسوب می‌شود، وجود بکرزایی در میان شخصیت‌های زن

1. Utopianism

2. Jane Freedman

3. Mizora (1883), Mary E. Bradley Lane

4. The Wander Geound (1979), Saly Miller Gearheart

5. Jean Shinoda Bolen

داستان است؛ به این صورت که هر دو نویسنده بنای آرمان‌شهر زنان خود را برپایه زایش عذرایبی و بکرزایی قرار داده‌اند و در نتیجه هیچ جنس مذکری در مدینه فاضله نویسندگان وجود ندارد؛ اما در رمان پرکینز گیلمن مفهوم بکرزایی و زایمان پارتنورنز به‌طور مستقیم، جدی‌تر و مفصل‌تر به‌عنوان مناظره میان شخصیت‌ها پرداخته شده است؛ در صورتی که در رمان نفرین خاکستری تنها در فصل اول به آن اشاره غیرمستقیم شده و در ادامه کمتر به آن پرداخته شده است.

- هر کدام از الهه‌ها تنها با یک آرزو صاحب دختری زیبا می‌شدند. مادران من الهه‌های خاص و اصیل بی‌نیاز به آمیزش جنسی، برای نسل‌ها تنها با یک آرزو، یک خواست، یک میل، صاحب دختری می‌شدند و این داستان قرن‌ها ادامه داشت (محب‌علی ۱۳۹۵: ۱۵).

- چگونه ممکن است؟ منظورم بچه‌هاست... چگونه بگویم؛ یعنی منظورم تولید مثل و ...

- اوه بله، حق دارید گیج بشوید. همه ما مادر هستیم؛ اما بدون وجود هیچ پدری.

- اما چنین چیزی قابل تصور نیست.

- آیا در میان جانوران سرزمین شما چنین امر ممکن وجود ندارد؟

- چرا ولی در برخی از شکل‌های بدوی... که ما این شکل از زاد و ولد و تداوم حیات را اصطلاحاً «بکرزایی» می‌نامیم که معنی‌اش زایش زنان باکره (زایش عذرایبی) است (پرکینز گیلمن ۱۳۸۹: ۹۶-۹۵).

زنستان	نفرین خاکستری
نوع خاصی از زایمان بدون مردان (ص ۶۱)	تنها با آرزوی فرزند، صاحب یک دختر می‌شدند (ص ۱۵)
زایش عذرایبی (ص ۹۶)	اخراج زنان از سرزمین زنان، در صورت بارداری از مردان (ص ۱۶)
برای دوهزارسال فقط زنان و زایش دختران (ص ۹۷)	آفریدت الهه بی اطلاع از میل و هوس و رابطه جنسی (ص ۲۴)
مادران بکرزا و شیرده (ص ۱۰۰)	
معجزه بارداری اولین زن جوان باکره در ۲۵ سالگی، ۵ دختر حاصل ۵ سال بارداری متوالی (ص ۱۱۶-۱۱۷)	

زنستان	نفرین خاکستری
نوع خاصی از زایمان بدون مردان (ص ۶۱)	تنها با آرزوی فرزند، صاحب یک دختر می‌شدند (ص ۱۵)
عروج مطلق در وجود زن قبل بارداری (ص ۱۴۲)	

طبق آنچه گفته شد، پرداختن به مسئله محوری بکرزایی بنا به دلایلی از جمله آزادی بیان نویسنده و شرایط فرهنگی اجتماعی، در رمان پرکینز گیلمن بسیار گسترده‌تر از رمان نفرین خاکستری محب‌علی است؛ تا جایی که او قسمتی از یک فصل داستان خود را به مناظره و گفت‌وگو پیرامون این موضوع میان هرلندی‌ها و مردان مهاجر، اختصاص داده است.

### گذر از تفکر اتوپیایی و عدول از بکرزایی

همان‌طور که اشاره شد، برخی از فمینیست‌های پست‌مدرن، اصول آرمان‌شهری برخی فمینیست‌های رادیکال هوادار بکرزایی را رد و مورد نقد قرار دادند؛ زیرا تفکر اتوپیایی فمینیستی گاهی بر مبنای ضد‌مرد بودن عمل کرده است که در واقع عملی کردن این عقاید اتوپیایی فمینیستی در دنیای واقعی امکان ندارد و صرفاً در حد خیال و تصور است.

در دو رمان پرکینز گیلمن و محب‌علی نیز، قسمت چالش‌برانگیز داستان، دچار تعلیق شدن افکار ابتدایی نویسنده شخصیت‌ها و در واقع زیر سؤال رفتن قوانین آرمان‌شهر زنان است. مناظره‌هایی که میان شخصیت‌های داستان در ارتباط با ضدقهرمان‌ها رخ می‌دهد یا مونولوگ‌های شخصیت‌های زن، نشان از سردرگم شدن زنان داستان است از این بابت که آیا دنیای تک‌جنسه آنان کامل و بی‌نقص است یا نیاز به وجود جنس دیگری به نام مرد احساس می‌شود؟ بر این گمان، در ابتدای داستان نفرین خاکستری آفریدت، اولین شخصیت جدایی‌طلب، برای کشف دنیای مردان و ارتباط با غیرهمجنس، دنیای زنانه خود را زیر سؤال می‌برد و کشور زنان را ترک می‌کند؛ در واقع چنین حادثه‌ای آغاز چالش اصلی داستان است. در داستان زنستان پرکینز گیلمن نیز، با کمی تفاوت، بعد از ورود سه جهانگرد مرد به هرلند و آشنایی آنان با دنیای زنان و تمامی قوانینشان، زنان نیز در مورد دنیای مردان و قوانین آنان و چگونگی ارتباط با جنس مذکر، کنجکاو شده و در تلاش برای ایجاد ارتباط و آشنایی با فرهنگ مردسالار بودند که این کنجکاوی منجر به قبول پیشنهاد ازدواج از سوی مردان جهانگرد و آغاز سفرشان به سرزمین مردان شد. ادامه سفر زنان به سرزمین مردان را پرکینز

گیلمن در رمان بعدی خود با نام *با او در سرزمین ما*<sup>۱</sup> به نگارش درآورد؛ اما در همین داستان *زنستان*، هر سه ازدواج چالشی جداگانه را دربرمی‌گیرد. در ازدواج جف و سلی، مرد داستان (جف) به دلیل عاشق‌پیشگی و زن‌نوازی بیش از حد، زنان را ایدئالیز می‌کرد و نهایت خدمت و حمایت را نسبت به زنان داشت؛ اما در نقطه مقابل جف، مایکل قرار داشت که به شدت تندخو و مغرور و همواره در حال درگیری با زنان و دختران بود و نمی‌توانست رفتاری برخلاف زنان عشوه‌گر دنیای خود را قبول کند. در ازدواج خود نیز با آلیما دچار بحران و درگیری شدیدی شد؛ تا جایی که با یک اتفاق بد ازدواجشان به جدایی انجامید. مایکل نگاه جنسی به زنان هرلند داشت و همین توقع او از زنانی که تاکنون از رابطه جنسی و لذت آن چیزی نمی‌دانستند، باعث ایجاد درگیری و در انتها منجر به اخراج او از *زنستان* شد؛ اما ون، راوی داستان، حد میان جف و مایکل بود. مردی که از محبوبیت عام و نسبتاً خوبی در میان زنان هرلند برخوردار بود؛ زیرا تلاش می‌کرد منطقی و سنجیده با قوانین و افکار آنان برخورد کند؛ نه تحمیل و نه تأیید بی‌چون‌وچرا. در قضیه ازدواج او با الادور نیز به همین شکل هر دو با گفت‌وگو و بررسی تمام جوانب دنیای زنانه و مردانه، نتیجه خوبی از بحث‌های خود می‌گرفتند.

تمامی این اتفاقات منجر به این شد که زنان *زنستان*، با تمامی چالش‌ها، مناظرات و بحث‌هایی که در هر فصل داستان در زمینه‌های مختلف شامل ازدواج، اقتصاد، دین، کار، تربیت فرزند، آموزش و پرورش، سیاست و... با مردان جهانگرد داشتند، به‌مرور کنجکاو به ارتباط با مردان و آشنایی با سرزمینشان شدند که این کنجکاوی در واقع تا حدودی همان واگرایی تفکر اتوپیایی آنان را به دنبال داشت؛ اما موفقیت‌آمیز و مورد رضایتشان نبود.

اما این سعادت چندان دوام پیدا نمی‌کند. آفریدت ۱۷ساله، مادر مادر بزرگ من، کوچک‌ترین و زیباترین الهه قصر، به سرش می‌زند که به سفر برود. سفر به جاهای ناشناخته. هرچه خواهران و مادران و خاله‌ها و دخترخاله‌ها و خواهرزاده‌ها نصیحتش می‌کنند، فایده ندارد و آفریدت راهی سفر می‌شود (محب‌علی ۱۳۹۵: ۱۶).

الادور در حالی که موهایم را نوازش می‌کرد با لحنی نیمه‌همسر/ نیمه‌مادرانه گفت: محبوبم... تو باید مرا یک روز به کشور خودت ببری و آنجا را به من نشان بدهی. می‌خواهم کشور و مردم سرزمینات را ببینم و همین‌طور مادرت را، مادر کسی که عاشقش هستم، مادری که همسر محبوبم را به دنیا آورده (پرکینز گیلمن ۱۳۸۹: ۲۶۲).

### گذار از تفکر اتوپیایی و عدول از بکرزایی

نفرین خاکستری	زنستان
دروغ می گوید، بدون اجبار، خودش زن پدر بزرگ شده بود (ص ۹)	اشتیاق زنان هرلند در مطالعه‌ی وسیع بر روی مردان و قوانینشان، تهیه‌ی اسناد و مدارک و کتاب براساس اطلاعات جمع آوری شده (ص ۱۸۱)
دل کندن از تکرار روزمرگی‌های قصر مرمین الهه‌های زن (ص ۶۱)	رفع نیاز موقت و اضطراری ون برخلاف عقیده‌ی اولیه‌ی زنستانی‌ها (ص ۳۶۲)
چشیدن لذت معشوق بودن و عاشق کردن یک مرد برای آفریدت (ص ۲۲)	سعی الادور در انطباق خود با ذهنیت دوجنسی ون (ص ۴۶۲)
به لرزه افتادن دستان یک مرد از جمله‌ی آفریدت (ص ۲۲)	ظهور نشانه‌های اغواگری زنانه نیاکان آلیما در وجودش (ص ۹۶۲)
نتیجه‌ی لذت عاشق کردن یشنا توسط آفریدت، خروج از الهگی (ص ۴۲)	دور شدن از خودآگاه واقعی و احساس شرم (ص ۲۷۲)
آفریدت عاشق نگاه سراپا هوس و ملتسمانه‌ی یشنا (ص ۵۲)	عدم اجازه الادور به بازگشت ون بدون او (ص ۸۷۲)
پس از بخشش یشنا، پروراندن نطفه‌ی یشنا توسط آفریدت در کالبد الهه‌گی‌اش (ص ۲۹)	علاقه الادور به کشف زندگی هیجان‌انگیز مردان و ابراز علاقه به بودن کنار ون باتمام تفاوت‌ها (ص ۲۸۰)
بجای شبیه الهه‌ها بودن و صاحب دختر شدن، بارداری با نطفه‌ی یشنا به یاد شوریدگی‌های او و صاحب دوقلو شدن (ص ۳۰)	بارداری سلی؛ حاصل آمیزش دو جنس؛ مادری جدید (ص ۲۸۹)
شروع زنجیره‌ی تقلیل (ص ۳۰)	

طبق بررسی‌ها و نمونه‌های آثار، زنان قصر مرمین نفرین خاکستری با موضوع زایمان از طریق رابطه جنسی با مردان راحت‌تر کنار آمده‌اند؛ در صورتی‌که زنان هرلند، حتی پس از ازدواج‌های دگرجنس‌گرا، عقیده داشتند که دوستی و احترام متقابل باید مقدم بر ابراز جنسی باشد و از مردان خود می‌خواهند نسبت به تقاضای آنان دلسوز باشند و آن را محترم بشمارند تا اصراری بی‌جا نداشته باشند. قبل از اینکه آن‌ها تغییر بزرگی را تحت عنوان تبدیل زایمان پارتنورنس به رابطه زن و شوهری و زایمان طبیعی، ایجاد کنند، به‌طور کامل به تحقیق با مردان در مورد عقاید آنان مبنی بر لذت جنسی غیرمولد و آموزش چنین روابط آمیزشی‌ای برخلاف عملکرد صرفاً تولیدمثلی پرداختند؛ اما در نهایت به‌طور کامل نتوانستند عقیده مردان مبنی بر

سکس برای خود و لذت‌بردن متقابل را درک و قبول کنند.

### نتیجه

از خوانش تطبیقی دو روایت بر بنیاد مفهوم بکرزایی در رمان اتوپیایی می‌توان نتیجه گرفت که پرکینز گیلمن و محب‌علی در مقام نویسندگانی فمینیستی و تخیل‌گرا آثار خود را در وهله نخست به‌عنوان اثری برای انعکاس تبعیض، نابرابری، ستم بر زنان و دغدغه‌های آنان نگاشته‌اند و در مرحله بعد، از مفهومی تخیلی با عنوان بارداری بدون لقاح برای آرزوی تشکیل جامعه آرمانی زنان به‌خوبی بهره برده‌اند. با وجود وجوه مشترک محتوایی در سبک روایی این دو نویسنده؛ اما تناظر مضمون اتوپیایی و بکرزایی با تأکید بر هویت اصلی زنان و وارونگی دنیای مردان، بر اهمیت پژوهش بر روی این دو رمان افزود. درواقع پژوهندگان، کاربست این دو رمان ایرانی و خارجی را از طریق سه مولفه «مردستیزی ابتدایی در تفکر اتوپیایی»، «بکرزایی لازمه تفکر اتوپیایی» و «واگرایی در تفکر اتوپیایی و عدول از بکرزایی» به‌بوتۀ نقد کشیدند.

با توجه به بررسی هر دو روایت، می‌توان به این رهیافت رسید که روایت ایرانی در مقایسه با روایت آمریکایی چنان که می‌نماید، از ثبات دیدگاهی مضمونی کمتری برخوردار است؛ زیرا همان‌طور که مشاهده شد در رمان نفرین خاکستری تغییر رویه و عقیده زنان زودتر و با سهولت انجام گرفت؛ در صورتی که زنان سرزمین شارلوت، در تغییر عقیده و رویه خود نسبت به دنیای مردان بسیار سخت‌تر و مقاوم‌تر بودند؛ به‌عبارت کلی نویسنده آمریکایی گویا قدرت بیشتری در بیان اعتراض خود نسبت به جایگاه زنان، تبعیض جنسیتی و نقد دنیای مردسالار داشته است که در کنش‌های شخصیت‌های رمان و مقاومت آنان در رویارویی با مردان کاملاً مشهود است. با مطالعه این دو رمان می‌توان ادعا کرد که رمان برجسته زنستان شارلوت زمینه‌های فراوانی برای انواع پژوهش‌های ادبی و تطبیقی را برای پژوهشگران علاقه‌مند فراهم می‌کند.

برآیند فرجامین این پژوهش بیان می‌کند که شرایط سیاسی، اجتماعی و موقعیت جغرافیایی، به‌شدت بر روان و هویت زنان و مخصوصاً نوع دیدگاه نویسندگان زن و قلم آنان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین میزان و شدت عدول و هنجارشکنی دو نویسنده در آثارشان به تناسب موقعیت جغرافیایی و اجتماعی دارای نوسان است؛ همان‌طور که در رمان محب‌علی دیده شد، به‌دلیل محدودیت‌های بیشتر و تفاوت در نوع فرهنگ ملل، نویسنده نمی‌توانسته است به‌طور واضح به‌عنصری همچون بکرزایی اشاره کند؛ در صورتی که در رمان پرکینز گیلمن به‌طور کامل و شفاف در کل رمان به این مقوله پرداخته شده است؛ اما در رمان محب‌علی حتی نام این مؤلفه آورده نشده است. از طرفی دیگر تغییر دیدگاه در رمان ایرانی به‌مراتب با سرعت بیشتری اتفاق افتاده است



و پایه چنین عقاید فمینیستی رادیکالی مانند بکرزایی، ضعیف‌تر و قابل شکست‌تر از پرکینز رمان گیلمن است. به همین دلیل تحکم بن‌مایه اصلی زنستان پرکینز گیلمن به مراتب قوی‌تر و مسئله‌برانگیزتر و به عبارتی نمونه جامع‌تری است. به‌طور کلی محب‌علی کاملاً برعکس پرکینز، بنا به شرایط موجود در ایران به‌صورت عام، کلی و پوشیده‌تر به این مسئله پرداخته است و این تفاوت ریشه در اقتضاهای فرهنگی و شرایط صلب فرهنگی و اجتماعی در ایران بوده که نسبت به طرح مسئله بکرزایی با اجمال برخورد کرده است.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران با عنوان «نقد فمینیستی گزیده آثار داستانی مهسا محب‌علی و فیلمنامه‌های نرگس آبیاری» است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. قوانین کامستاک یک لایحه فدرال بود که توسط کنگره ایالات متحده آمریکا در ۳ مارس ۱۸۷۳ به‌عنوان قانونی جهت «سرکوب تجارت و گردش ادبیات زشت و مقالات غیراخلاقی» تحت ریاست یولیس‌سایمن گرانت و به نام کامستاک که تنظیم‌کننده این لایحه بود، تصویب شد.

## منابع

- آریانپور، عباس (۱۳۶۹). *فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی*. جلد پنجم. تهران: امیرکبیر.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). *اسطوره، رؤیا، راز*. ترجمه رؤیا منجم. چاپ دوم. تهران: فکر روز.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹) «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران» *ادبیات تطبیقی*. دوره اول بهار ۱۳۸۹ شماره ۱، صص. ۳۸-۶.
- بولن، شینودا (۱۳۸۶). *نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان*. ترجمه آذر یوسفی. چاپ چهارم. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بی‌یرد، مری (۱۳۹۸). *زنان و قدرت یک بیانیه*. ترجمه شبنم سعادت. چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- پرکینز گیلمن، شارلوت (۱۳۸۸). *زنستان*. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. چاپ دوم. تهران: توسعه.
- تانگ، رزمیری (۱۳۸۷). *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- دوبوواری، سیمون (۱۳۸۰). *جنس دوم*. ترجمه قاسم صنعوی. جلد اول. چاپ دوم. تهران: توس.
- رودگر، نرجس (۱۳۸۸). *فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- لشکریان، آیتا (بهار ۱۳۸۷). «نقد آثار فمینیستی شارلوت پرکینز گیلمن». *علوم انسانی* (دانشگاه الزهرا). سال هجدهم، شماره ۷۰، صص. ۲۸-۱.
- فریدمن، جین (۱۳۹۷). *فمینیسم*. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان.
- مبینی، مهتاب؛ شاهوردی، امین (تابستان ۱۳۹۵). «بازخوانی منظومهٔ تئوگونی هسیودس در پرتو قاعدهٔ الواحد». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص. ۲۱۰-۱۸۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1124461>
- محب‌علی، مهسا (۱۳۹۵). *نفرین خاکستری*. تهران: نیماژ.
- مظفریان، فرزانه (۱۳۸۹). *هویت زن در اساطیر ملل جهان*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- هام، مگی؛ گمبل، سارا (۱۳۸۲). *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی. تهران: توسعه.

یوست، فرانسوا (۱۳۸۹). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. ترجمه علیرضا انوشیروانی، لاله آتشی و رقیه بهادری. چاپ دوم. تهران: سمت.

Li, Chang (2022). "Reshaping the Balance: How Gilman Critiques and Constructs a Feminist Utopia in *Herland*." *Nesir: debiyat Araştırmaları Dergisi* 3, PP. 75-88.

Ying, Liang (2013). "Herland—an All-female Women's Utopia." *Beijing Foreign Studies University*. Vol. 3, PP. 667-679. <https://doi.org/10.17265/2159-5836/2013.11.001>

Pfaeizer. Jean (1988). *The changing of The Avant-Garde; The Feminist Utopian*. Science Studies.

Everett F. Phillips (1903). A review of *Parthenogenesis*. *Proceedings of the American Philosophical Society*, PP. 275-345. [https://www.jstor.org/stable/983715?seq=1&cid=pdf-reference#references\\_tab\\_contents](https://www.jstor.org/stable/983715?seq=1&cid=pdf-reference#references_tab_contents)

Stephanson. Raymond (2019). *Fictional Science and Genre: Ectogenesis and Parthenogenesis at Mid-Century*. *Journal for Eighteenth-Century Studies* Vol. 42 No. 4 , PP. 471-486. <https://doi.org/10.1111/1754-0208.12653>.

Tavera. Peebles (2018). *Her body, Herland: Reproductive Health and Dis/topion Satire in Charlotte Perkins Gilman*. *Utopian Studies*, Vol. 29, No. 1, PP. 1-20. <https://doi.org/10.5325/utopianstudies.29.1.0001>.

Hill, Michael R (1996). "Herland, by Charlotte Perkins Gilman." *Masterpieces of Women's Literature*, edited by Frank N. Magill. New York: HarperCollins. PP. 251-254. <https://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1413&context=sociologyfacpub>

Bogart. Kim Johnson (2014). *The Utopian Imagination of Charlotte Perkins Gilman: Reconstruction of Meaning in "Herland"*. *Pacific Coast Philology*, Vol. 27, No. 1/2 (Sep., 1992), pp. 85-92. <https://doi.org/10.2307/1316715>.

Gilman, Perkins Charlotte (1979). *Herland*. New York: Pantheon.

Gilman, Perkins Charlotte (1980). *The Charlotte Perkins Gilman Reader*. Edited by Ann J. Lane (Ed.) New York: Pantheon.

## *Parthenogenesis in Utopian Novels: A Comparative Study of Charlotte Perkins Gilman's Herland and Mahsa Mohebbali's The Gray Curse*

Nadiya Ahmadi Nik<sup>1</sup>, Gholamreza Pirooz<sup>2</sup>, Sara Saei Dibavar<sup>3</sup>

### Abstract

Comparative literature is considered as one of the most important fields of research in humanities, and studies on feminism and women writers from different nationalities can offer important contributions to the field. The classic novel *Herland* by Charlotte Perkins Gilman is considered a pioneering American feminist work. From a comparative perspective, the Iranian novel, *The Gray Curse* by Mahsa Mohebbali has a thematic similarity with Perkins Gilman's novel. Both authors have portrayed a feminist utopia whose inhabitants are only women, and for whom, motherhood is fulfilled only through parthenogenesis. This similarity as well as the content and thematic correspondence are among the reasons for selecting these novels for the present study. The researchers use qualitative content analysis method within the framework of feminism to analyze these novels' representations of the concept of Parthenogenesis through their description of a utopia. To do a comparative study of the similarities and motifs in the two narratives with a focus on the concept of parthenogenesis, the paper draws on three elements: misandry in utopian thinking at the beginning of the novels, parthenogenesis as a necessary concept in utopian thinking, and finally, moving away from the utopian thinking and a refusal of the parthenogenesis. Despite the commonality of the content and thematic elements, distinctions in political, social and cultural contexts between the two nations create a difference in Gilman's and Mohib Ali's views on the concept of parthenogenesis throughout the novel, with the former's offering more in-depth and the latter's fleeting views on the concept.

**Keywords:** Utopia, Parthenogenesis, *Herland*, *The Gray Curse*, Mahsa Mohebbali, Charlotte Perkins Gilman.

1. M.A in Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran  
ahmadiniknadiya@gmail.com
2. Professor of Persian Language and Literature,, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author)  
pirooz\_40@yahoo.com
3. Assistant Professor of English Language and Literature, Department of English Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran  
s.saei@umz.ac.ir

#### How to cite this article:

nadiya ahmadinik; Gholamreza Pirooz; sara saei dibavar. "Parthenogenesis in Utopian Novels: A Comparative Study of Charlotte Perkins Gilman's Herland and Mahsa Mohebbali's The Gray Curse." *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 3: 1, 2023, 213-238. doi: 10.22077/islsh.2023.6223.1250



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).